



دستگیری فعالان جنبش معلمان، اقدام سرکوبگرانه جدید رژیم

دمکراسی پارلمانی قول می‌دهند،
حکومت نظامی برقرار می‌کنند

سیاسی، خواهان تحقق فوری آنها شده اند. به رغم سرکوب‌ها و فشارهای متعدد رژیم جمهوری اسلامی، معلمان نه تنها عقب نشینی نکردند بلکه به اشکال مبارزاتی رادیکال‌تر و تعرضی‌تری نظیر تظاهرات و اعتصابات عمومی روی آوردند. در این چند سال، مدام بر تعداد معلمانی که به جنبش اعتراضی کنونی پیوسته‌اند افزوده شده و آنگونه که اعتصاب عمومی معلمان در سال جاری نشان داد، اکثریت عظیم معلمان به این جنبش پیوسته‌اند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که در آغاز، حاضر به پذیرش هیچیک از مطالبات نبود، زیر فشار مبارزات آنها ناگزیر شد به برخی از این مطالبات به شکلی سر و دم بریده تن دهد، اما تا به در صفحه ۳

با تعطیل مدارس، جمهوری اسلامی بازداشت فعالین جنبش اعتراضی معلمان را آغاز کرده است. چند روز پیش، خبر دستگیری دبیر و سخنگوی کانون صنفی معلمان نیز از طریق برخی رسانه‌ها اعلام شد. از تعداد معلمان بازداشت شده در سراسر ایران اطلاعی در دست نیست، اما از تشدید فشار و سرکوب و دستگیری‌های گسترده‌ای که از چند روز پیش از ۱۸ تیر آغاز شده است، چنین برمی‌آید که فعالین جنبش اعتراضی معلمان در سراسر ایران در معرض تعقیب و دستگیری قرار گرفته‌اند.

معلمان با مبارزات پیگیر خود در چند سال اخیر نشان داده‌اند که آنها دیگر نمی‌خواهند وضع موجود را تحمل کنند و با طرح مجموعه‌ای از مطالبات صنفی و

نمایش «انتقال قدرت» در عراق از ترس حملات مقاومت علیه اشغالگران به جای ۱۰ تیر دو روز زودتر انجام شد و با حضور پل برمر، حاکم آمریکایی عراق، دست نشانندگان شورای موقت حکومتی جای خود را به دو عروسک خیمه‌شب‌بازی دیگر به نام‌های غازی عجیل الباور و ایاد علاوی دادند که به ترتیب به ریاست جمهوری و نخست‌وزیری منصوب گشتند.

به جز ایاد علاوی که از ۱۲ سال پیش بدین سو رسماً از کارکنان حقوق بگیر CIA است، هشت وزیر دولت دست‌نشانده از نهادها و سازمان‌هایی می‌آیند که دولت آمریکا آن‌ها را رهبری و تأمین مالی می‌کند. دو وزیر هم تابعیت آمریکایی دارند.

در جلوی صحنه دولت دست‌نشانده ۲۹ وزیر وجود دارند که قدرت را «تحویل» گرفته‌اند، اما در پشت پرده صدها «مشاور» آمریکایی هستند که هر قدم آنان را زیر نظر دارند و تمام سیاست‌ها را به آنان دیکته می‌کنند. دولت ایاد علاوی حق هیچگونه مداخله‌ای را در امور نظامی عراق ندارد و ۱۳۸۰۰۰ نظامی آمریکایی به علاوه ۲۵۰۰۰

در صفحه ۲

اهمیت دفاع و حمایت از

کارگران احضار شده به دادگاه سقز

مزدوران به صف کارگران و بازداشت فعالین کارگری اما، فعالیت‌های گسترده‌ای را چه در شهر سقز و سایر شهرهای ایران و چه در عرصه بین‌المللی برای آزادی فوری بازداشت شدگان در پی داشت. اول ماه مه سقز، به یک رویداد سیاسی مهم و به کانون مبارزه علیه رژیم و سیاست‌های ضد کارگری آن تبدیل شد و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را شدیداً غافلگیر ساخت. متعاقب آن، کارزار بالنسبه وسیع سیاسی-مبارزاتی در داخل و خارج در صفحه ۵

مطابق اخبار انتشار یافته، برای چهار تن از دستگیر شدگان اول ماه مه سقز که با قرار وثیقه آزاد شده بودند، برگه احضار ارسال شده است و این کارگران روز سوم شهریور ماه، باید در دادگاه حاضر شوند.

نزدیک به دو ماه پیش بود که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، در جریان یورش وحشیانه به صف شرکت‌کنندگان در مراسم اول ماه مه سقز، هفت تن از کارگران و فعالان کارگری را به «جرم» برگزاری مراسم اول ماه مه، دستگیر و روانه زندان نمود. هجوم ددمنشانه

پاسخ به سؤالات ۱۲

در این شماره

- ۹ "یانکی به خانه ات برگرد"
- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان

مصاحبه با میریان داکمونوویچ یکی از فعالین زنان یوگسلاو

"اروپای فعلی، اروپای زنان نیست"

دمکراسی پارلمانی قول می دهند، حکومت نظامی برقرار می کنند

نظامی از کشورهای مختلف، عراق را در اشغال خود نگاه خواهند داشت. فرماندهی نظامی آمریکا هم اعلام کرده است که در عراق ۱۴ پایگاه نظامی دائمی ساخته می شوند که نه «دولت موقت» ایاد علاوی و نه دولت های آینده حق کنترل آن ها را نخواهند داشت. به عبارت دیگر «انتقال قدرت» در عراق، چه به این دولت موقت دست نشانده و چه زمانی که احتمالاً یک نمایش انتخاباتی برگزار خواهد شد یاره ای بیش نیست.

هفته ماه از یورش نظامی آمریکا - انگلستان گذشته است و اکنون دروغ هایی که برای توجیه این حمله نظامی ساخته شده بود، از جمله وجود سلاح های کشتار جمعی، چنان رنگ باخته است که حتی موجب تضادهایی در درون هیئت حاکمه این دو دولت تجاوزگر گردیده و مشغول جابه جایی مهره ها و ادامه راه با مهره هایی دیگر و به بهانه های واهی دیگر هستند.

هنگامی که عدم صحت ادعاهایی همچون وجود سلاح های کشتار جمعی یا ارتباط رژیم صدام حسین با القاعده برملا شد، اشغالگران آمریکایی - انگلیسی بنا را بر این گذاشتند که با توپ و تانک و جنگنده های فوق مدرن به عراق آمده اند تا یک دمکراسی پارلمانی را در آن جا مستقر کنند و عراق را به الگوی «خاورمیانه بزرگ» تبدیل نمایند. اما ببینیم نخستین اقدامات دولت آقای ایاد علاوی برای استقرار این دمکراسی چه بوده است؟

روز ۱۷ تیر اعلام شد که نخست وزیر عراق قانونی را به نام «امنیت ملی» امضاء کرده و به خودش این اختیار را داده تا برای برقراری امنیت و مقابله با حملات مقاومت عراق علیه اشغالگران «وضعیت اضطراری» یا به عبارت دیگر حکومت نظامی اعلام کند. آقای نخست وزیر و دولتش بر اساس این قانون می توانند هر وقت اراده کردند و هر جا خواستند وضعیت اضطراری اعلام بکنند، تشکلات، احزاب، سازمان ها و انجمن ها را ممنوع بنمایند، نامه ها و مکالمات تلفنی را کنترل بکنند، تظاهرات و تجمعات را قذغن بنمایند، در یک کلام یک حکومت تمام عیار نظامی را مستقر

بکنند.

در همان روز ۱۷ تیر که ایاد علاوی امضای قانون امنیت ملی را اعلام کرد، مصاحبه ای هم با روزنامه اسپانیایی El Pais نمود و گفت که مجازات اعدام نیز دوباره در عراق برپا می شود تا بتوان «قاتلان مردم» را به اشد مجازات رساند. تنها چهار روز بعد سه عراقی در کریلا به اعدام محکوم شدند و قاضی دادگاه به روزنامه الحیات گفت: «صدور حکم اعدام با توجه به شرایط کنونی عراق و با توجه به آن که گروه های شبه نظامی در این کشور فعال تر می شوند یک اقدام جسورانه است.»

غازی عجیل الیاور، رئیس جمهور دست نشانده و منصوب شده اشغالگران نیز روز ۲۲ تیر صریحاً به تهدید روی آورد و گفت: «ما برای آنانی که امنیت عراق را تهدید می کنند شمشیری بران آماده کرده ایم.» وی تأکید نمود که تروریسم فقط بمب گذاری و مقاومت مسلحانه نیست و هر کس «زندگی عادی» مردم را، بخوان اشغالگران را مختل کند تروریست محسوب می گردد و شمشیر تیز در انتظارش خواهد بود.

خیمه شب بازی انتقال قدرت و سپس امضای قانون امنیت ملی و برپایی مجدد بساط داغ و درفش در عراق نشان می دهد که اوضاع سیاسی این کشور به چنان حدی از وخامت رسیده است که سینه چاکان دمکراسی پارلمانی و آن هم از نوع صادراتی اش با توپ و تانک و تفنگ، وادار شده اند چهره واقعی خود را در پرتو واقعیات به جهانیان نشان دهند و نشان دهند که برای تأمین منافع قدرت های امپریالیستی و انحصارات صنعتی و مالی اشان از هیچ جنایت و اقدام ضدبشری چشم پوشی نکرده و نخواهند کرد. اکنون بر ناآگاه ترین توده های مردم منطقه هم آشکار شده است که اصولاً جان و آزادی آنان در برابر بشکه های نفت و تاراج ثروت های ملی اشان پیشیزی برای قدرت های امپریالیستی و دولت های دست نشانده از قبیل دولت ایاد علاوی ارزش ندارد. کمابینه تنها از ۸ تیر تا ۲۰ تیر، یعنی در کم تر از دو هفته ای که از «انتقال قدرت» در عراق گذشت دست کم ۴۰۰ نفر کشته و ۶۰۰ نفر زخمی شدند.

توده های مردم عراق به عینه شاهدند که دیکتاتوری خونین رژیم صدام حسین

اخباری از ایران

اعتصاب کارگران ایران خودرو

کارگران قسمت بدنه سازی شماره یک، قالب و جیکس و تعمیرات قالب و سالن های پرس شماره ۱ و ۲، روز پنجشنبه یازده تیر، در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر واگذاری بخش های دیگری از این کارخانه به «پیمانکار»، دست از کار کشیدند. کارگران ایران خودرو با صدور یک اطلاعیه و اعلام اعتصاب، ضمن اشاره به نیرنگ ها و ترفندهای مدیریت در آواره ساختن کارگران و تشدید فشار بر کارگران و یا گماردن کارگران متخصص به کارهای جزئی، تأکید نموده اند که اجازه انحلال و یا واگذاری هیچیک از بخش های بدنه، پرس و قالب و جیکس را نخواهند داد. در اطلاعیه کارگران ایران خودرو از جمله چنین آمده است:

«دوستان و همکاران عزیز، مدیریت ایران خودرو جهت فرار از منجلابی که خودشان آن را کنده اند، به بهانه کاهش هزینه ها که به نظر ما جز فریب و (سر) کیسه کردن ما نمی باشد، تصمیم گرفته اند قسمت های فوق (بدنه، پرس و قالب و جیکس) را به پیمانکار واگذار کنند و ما کارگران را نیز مثل کارگران صندلی سازی آواره کنند. سیاست غلط ششسهانی که قالب جیکس ایران خود رو روزی بزرگترین قالب سازی ایران بود به بهانه انتقال آن به بیرون شرکت، از آن یک ویرانه ساخت و ما کارگران متخصص را به کارهای جزئی گماشت و اکنون می خواهد از بدنه سازی یک ویرانه ی دیگر بسازد و با واگذاری آن به پیمانکار، ما کارگران بدنه سازی را نیز آواره کند و در سالن پرس که روزی چرخ های ایران خودرو روی آن می چرخید، و اکنون به یمین مدیریت نالایق چون «مردانی» به محل ضایعات و لانه گربه ها تبدیل شده است، اکنون می خواهند با واگذاری آن به پیمانکار، ما کارگران شیفت صبح را نیز به سرنوشت همکاران شیفت دوم و سوم گرفتار کنند. از طرف دیگر تصمیم گرفته اند که تعمیرات قالب را به شرکت jipi که مدیریت آن را آقای پناهنده مدیر حراست شرکت ایران خودرو به عهده دارد واگذار کرده و ما کارگران متخصص تعمیرات قالب را که سال ها در این قسمت زحمت کشیده ایم به کارگر ساده تبدیل کنند. دوستان، ما روز پنجشنبه در سر کارهای خویش حاضر خواهیم شد. دوستان ما با اتحاد خود ثابت خواهیم کرد که پنجشنبه چرخ های تولید به

اخباری از ایران

دست چه کسانی می چرخد. ما به مدیریت شرکت اعلام می کنیم که اجازه انحلال و یا واگذاری هیچ کدام از بخش های بدنه، پرس و قالب جیکس را به کسی نخواهیم داد . . .“

اعتصاب در نیروگاه اتمی بوشهر

کارگران و کارکنان نیروگاه اتمی بوشهر، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و برای تحقق سایر مطالبات خود، دست از کار کشیدند. این اعتصاب که چند روز ادامه داشت با دخالت نیروهای سرکوب و انتظامی پایان یافت. اعتراض کنندگان از طریق مراجعه به استانداری بوشهر بر تحقق مطالبات خود پای می فشارند.

طومار اعتراضی

۱۳۰ تن از کارگران اجرایی ”شرکت آما“، در ادامه مقاومت و اعتراض نسبت به اخراج خود، با امضا یک طومار اعتراضی خواستار کار در ”شرکت آما۲“ شدند. این طومار اعتراضی برای رئیس جمهور، مجلس، وزارت کار و برخی ارگان های دیگر نیز ارسال گردید.

نامه اعتراضی

کارگران ”سلک باف یزد“

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی ”سلک باف یزد“ با ارسال یک نامه اعتراضی، نسبت به انحلال این کارخانه هشدار دادند. به گزارش ایلنا، بنیاد مستضعفان در نظر دارد سه واحد از شرکت های تحت پوشش خود را شامل ”سلک باف یزد“، جنوب و ماهیاف را در هم ادغام کند که با این اقدام، نام ”سلک باف یزد“ حذف و کارگران از لحاظ سوابق بیمه ای، بازنشستگی پیش از موعد و سنوات خدمت دچار مشکل خواهند شد. کارگران در نامه اعتراضی خود، خواستار آن شده اند که با سرنوشت بیش از ۵۰۰ کارگر که هر کدام دارای بیش از ۲۰ سال سابقه کار هستند بازی نشود و از تضییع حقوق آنان جلوگیری شود.

طومار اعتراضی خبازان

خبازان سنندج، با ارسال یک طومار اعتراضی در تاریخ ۸/۴/۸۳ به استانداری کردستان، بار دیگر نسبت به تضییع حقوق

دستگیری فعالان جنبش معلمان، اقدام سرکوبگرانه جدید رژیم

بودند، نه اسلامی اند و نه وابسته به رژیم. این تشکل ها، در بطن مبارزات معلمان پدید آمده و شکل گرفته اند، اما هنوز ارتباط محکم و ارگانیکی با یکدیگر ندارند. اکنون معلمان سراسر کشور در تلاشند که این تشکل هایی را که در شهرهای مختلف شکل گرفته اند، در یک تشکل واحد و سراسری به هم پیوند دهند، تا بهتر بتوانند مبارزه خود را ادامه دهند و مطالبات خویش را متحقق سازند.

جمهوری اسلامی از شکل گیری یک تشکل سراسری در میان معلمان بیمناک است. این رژیم بنا به ماهیت ارتجاعی خود نمی تواند، تشکل های مستقل از هر نوع آن را تحمل کند و آن هم یک تشکل سراسری. از این رو از هم اکنون با دستگیری فعالین جنبش معلمان و تشدید فشار به آنها می کوشد، مانع از شکل گیری یک چنین تشکلی شود.

این بگیر و ببندها و فشارها هرچند که ممکن است بتوانند در کوتاه مدت مؤثر واقع شوند، اما رژیم دیگر در موقعیتی نیست که با تشدید فشار و سرکوب بتواند بر سر راه جنبش اعتراضی توده های وسیع کارگر و زحمتکش مردم واز جمله معلمان چنان مانعی ایجاد کند که اعتلاء آن را سد نماید. بالعکس مبارزه ادامه دارد و اعتلاء خواهد یافت و بیش از پیش این ضرورت آشکار می گردد که حق توده های کارگر و زحمتکش مردم در ایجاد تشکل های مستقل خود، به نحو لاینفکی با سرنگونی رژیم به هم گره خورده است. این حقیقت را خود رژیم نیز می داند که هر تلاش برای ایجاد تشکل مستقل، گامی ست در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی. هیچ وحشی گری و سرکوب و بگیر و ببندی نیز قادر نخواهد بود رژیم را از این سرنوشت محتوم نجات دهد.

امروز همچنان از پذیرش اصلی ترین مطالبات معلمان سر باز زده است. رژیم جمهوری اسلامی با پذیرش برخی از مطالبات معلمان تلاش نمود که در صفوف آنها شکاف اندازد و مانع از ادامه مبارزه و اعتلاء جنبش معلمان گردد. اما در این تلاش با شکست روبرو شد و اکثریت بزرگ معلمان همچنان خواهان ادامه مبارزه تا تحقق کامل مطالبات خود هستند.

لذا حکومت اسلامی بر فشار و سرکوب معلمان افزوده است و یکی از دلایل بازداشت های اخیر، مرعوب ساختن فعالین جنبش معلمان است. بازداشت این فعالین تا زمانی که تعطیلات تابستانی فرانسیده بود، می توانست منجر به اعتراضات و سیع تر معلمان و دانش آموزان گردد، بنابراین جمهوری اسلامی، این بازداشت ها را در پی تعطیلی مدارس آغاز کرده است. هرچند که این یکی از دلایل دستگیری فعالین جنبش معلمان است، اما دلیل اصلی آن نیست.

دلیل اصل، تلاشی ست که معلمان برای تشکیل یک تشکل سراسری آغاز کرده اند و قرار است در اجلاسی که چند روز دیگر از فعالین معلمان سراسر کشور تشکیل خواهد شد، به این تشکل سراسری شکل دهند و برای ادامه مبارزه در سال تحصیلی جدید برنامه ریزی کنند.

با اوج گیری دامنه اعتراضات به ویژه در سال گذشته و اوائل امسال، در مناطق و شهرهای مختلف ایران، معلمان با ابتکار خود دست به ایجاد تشکل هایی زده اند که دیگر بر خلاف انجمن های متعددی که پیشوند و پسوند اسلامی را با خود یدک می کشیدند و به نحوی از انحاء، وابسته به رژیم و جناح های آن

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک

اعتصاب عمومی سیاسی

و

قیام مسلحانه برانداخت

کمک مالی

هامبورگ

مازیار ۶۰ یورو



هزاران کارگر را بدون حداقلی از تامین اجتماعی روانه صفوف میلیونی بیکاران این کشور ساخته است. برای مقابله با سیاست خصوصی سازی دولت و موج بیکارسازیها، ائتلافی متشکل از ۱۱ اتحادیه کارگری شکل گرفته که توانسته است مبارزه همه جانبه ای را علیه اقدامات دولت سامان دهد. اعتصاب عمومی روز ۱۱ ژوئن نیز بر بستر همین مبارزه برگزار شد. با این اعتصاب، دهها هزار کارخانه و موسسه صنعتی در سراسر بنگلادش به تعطیل کشانده شد. با تعطیل کامل شبکه حمل و نقل شهری، تعطیل کلیه مدارس، بانکها و موسسات دولتی و در یک کلام تمام فعالیتهای اقتصادی، خیابانهای شلوغ و پر رفت و آمد شهر ۱۰ میلیونی داکا خالی از انسان شد. در همین روز در شهر داکا و ۶۰ شهر دیگر بنگلادش اعتصابیون در خیابانها راه پیمایی کرده و تجمع اعتراضی کارگران در داکا مورد یورش ماموران تا دندان مسلح پلیس قرار گرفت. با این یورش وحشیانه پلیس دهها نفر زخمی و دستگیر شدند. برغم سرکوب و پیگرد پلیسی، کارگران مصممند مبارزه خود را تا پیروزی ادامه دهند.

اعتصاب کارگران در آلمان

روز ۱۰ ژوئیه ۱۲ هزار نفر از کارگران کارخانه اتوموبیل سازی بنز در شهر Sindelfingen دستبه یک اعتصاب یکروزه زدند. در اواخر ماه ژوئن مدیریت مجتمع صنعتی دایملر - کرایسلر، که از جمله سازنده اتوموبیل بنز است، اعلام نمود که در ماههای آینده بیش از ۵۰۰ میلیون یورو از هزینه دستمزد کارگران باید کاهش یابد. علاوه بر این اعلام شد که این هدف تنها با اخراج حدود ۱۰۰ هزار کارگر این مجتمع صنعتی در سراسر آلمان قابل دسترسی است. پخش این خبر موجی از خشم را در میان کارگران دامن زد. اعتصاب روز ۱۰ ژوئن اولین عکس العمل کارگران در این زمینه بود. در همین رابطه چندین اتحادیه کارگری با اعتصابیون اعلام همبستگی کردند. کارگران اعلام نمودند که اعتصاب دیگری را برای روز ۱۵ ژوئیه تدارک دیده اند که باید تمام کارخانجات این مجتمع را به تعطیل بکشاند.

کار

ارگان سازمان فدائیان (اقلیت)
را بخوانید

پذیرفته و کارهای خود را از سر گرفتند، اما این پیشنهاد برای تصویب نهایی به رای کارگران گذاشته خواهد شد. اگر چنانچه کارگران به این پیشنهاد کارفرما رای منفی بدهند، موج جدید اعتصاب در راه خواهد بود.

اعتصاب کارگران مترو در لندن

روز ۳۰ ژوئن تمامی کارگران خطوط مترو در شهر لندن دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. از اولین ساعات بامداد نزدیک به ۳ میلیون نفر مسافر که هر روزه از طریق خطوط مترو به سر کار خود می رفتند، به خیابانها آمده و ترافیک را در خیابانهای شلوغ و پر رفت و آمد این شهر کاملاً مختل نمودند. کارگران خطوط مترو در این شهر خواهان افزایش دستمزدهای خود به میزان ۷٪ هستند. کارفرما، شهرداری لندن، با این خواست کارگران مخالفت کرده و فعلاً هم هیچ نشانی از توافق میان دو طرف نیست. همین امر احتمال تکرار اعتصاب را افزایش داده است. اعتصابیون گفتند که در صورت ادامه مخالفت با خواست آنان، در ماه اوت مجدداً دست به اعتصاب می زنند.

اعتصاب کارگران حمل و نقل در ایتالیا

روز ۶ ژوئیه، دهها هزار کارگر خطوط حمل و نقل عمومی، دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اعتصاب حمل و نقل میلیونها مسافر در شهرهای بزرگ ایتالیا نظیر رم، میلان، پالرمو و دیگر شهرهای این کشور را مختل ساخت. حضور میلیونها نفر در خیابانها، ترافیک را در خیابانهای شلوغ شهر رم با مشکلات عدیده ای مواجه ساخت. اعتصابیون اعلام کردند که کارفرمای آنها خواستار افزایش دستمزد ها و مزایای رفاهی خود هستند، اما کارفرما هیچ اعتنایی به خواست آنها نکرده است. کارگران اعلام نمودند در صورت ادامه وضع موجود، اعتصابات وسیع تر دیگری در راه خواهد بود.

اعتصاب عمومی در بنگلادش

۱۱ ژوئن، دهها هزار کارگر در سراسر بنگلادش برای ۱۳ امین بار در ۶ ماه گذشته دست به برپایی یک اعتصاب عمومی زدند. ائتلاف اسلامی حاکم بر این کشور در طول ۲ سال گذشته یکرشته از کارخانه ها و مراکز صنعتی را خصوصی ساخته و

اعتصاب کارگران هتل در آمریکا

دهها هزار نفر کارگر هتل در سراسر آمریکا اعتصاب وسیعی را برای اوائل ماه سپتامبر تدارک می بینند. قراردادهای دسته جمعی کارگران در روزهای پایانی ماه اوت، به آخر می رسد و نمایندگان کارگران و کارفرما باید قرارداد جدیدی را برای ۳ سال آینده امضا کنند. از هم اکنون نشانه های اختلاف و عدم توافق قابل رویت بوده و به همین دلیل هم یکرشته اعتصابات موردی در میان کارگران هزاران هتل و مراکز توریستی آغاز شده است. روز ۲۴ ژوئن، صد ها نفر از کارگران هتل به خیابانهای واشنگتن آمدند و دست به راه پیمایی زدند. کارگران خواستار افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات رفاهی خود هستند. روز ۱۰ ژوئیه نیز هزاران نفر کارگر هتل از سراسر آمریکا در شهر شیکاگو گرد هم آمدند و همزمان با برپایی کنگره سالانه اتحادیه کارگران هتل، در خیابانهای مرکزی این شهر دست به راه پیمایی زدند. همزمان با اعتراضات کارگران هتل، هزاران کارگر صنایع بافندگی هم به مناسبت برپایی کنگره سالانه خود در شهر شیکاگو گرد هم آمدند و تظاهرات مشابهی را در خیابانهای اصلی این شهر بر پا کردند و ضمن آن خواهان افزایش دستمزدها و دیگر مزایای خود شدند.

اعتصاب کارگران در کره جنوبی

در آخرین روزهای ماه ژوئن، کارگران کارخانه اتوموبیل سازی Hyundai دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. با این اعتصاب بیش از ۴۰ هزار کارگر از روز ۲۴ ژوئن کارها را تعطیل کرده و در مقابل کارخانه دست به برپایی تجمعات اعتراضی زدند. کارگران با این اعتصاب خواستار افزایش دستمزدهای خود به میزان ۱۱٪ شدند. در ابتدا با این خواست کارگران مخالف شد، اما پس از ۵ روز و مقاومت یکپارچه کارگران، سرانجام کارفرما با خواست افزایش دستمزدها موافقت کرد. اما این افزایش نه ۱۱٪ که خواست کارگران بود، بلکه معادل ۸٪ دستمزد فعلی کارگران خواهد بود. هر چند کارگران این پیشنهاد را

اهمیت دفاع و حمایت از کارگران احضار شده به دادگاه سقز

کشور شکل گرفت که سرانجام رژیم سرمایه داران را وادار به عقب نشینی کرد و جمهوری اسلامی به اجبار به آزادی بازداشت شدگان آنهم در قبال وثیقه های سنگین و ۲۰۰ میلیون تومانی، تن داد. گرچه در وهله نخست این کارگران سقز بودند که مورد یورش وحشیانه مزدوران سرمایه قرار گرفتند و شماری از پیشروان کارگری این شهر بازداشت و روانه زندان شدند و گرچه کارگران سقز برای آزادی یاران و همکاران خود از هیچ کوششی دریغ نکردند، اما این اتحاد کل کارگران، اتحاد طبقاتی کارگران در برابر تعرض سرمایه داران و رژیم آنها به کارگران شهر سقز بود که عقب نشینی رژیم نه فقط در سقز که در مقیاس سراسری را به دنبال داشت. پیروزی کارگران سقز، پیروزی کل طبقه کارگر ایران بود.

تدارک و برگزاری مراسم های مستقل اول ماه مه امسال، از جمله برگزاری مراسم اول ماه مه در سقز که ابتکار عمل آن در دست کارگران آگاه و پیشرو بود که این بار می خواستند مراسم مستقل خود را در خیابان های شهر برگزار نمایند، همچنین رویدادهای بعدی و آزادی فعالین کارگری، پیروزی بزرگی بود برای عموم کارگران به ویژه گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش کارگری که با اول ماه مه به طور آشکاری خود را بالا کشید. این پیروزی که محصول اتحاد کارگران بود و کام طبقه کارگر را شیرین ساخت، روی دیگرش تلخ کامی عمیق سرمایه داران و رژیم آنها بود.

اکنون جمهوری اسلامی با احضاریه هایی که برای چهار تن از این کارگران فرستاده است می خواهد کارگرانی را که پیش از این به "جرم" برگزاری مراسم اول ماه مه بازداشت کرده بود، به همین "جرم" یا "جرم" های دیگری در بیدادگاههای خود به محاکمه بکشد و از این طریق از کارگران و گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش کارگری انتقام بگیرد. درست از همین جنبه است که دفاع و حمایت از کارگران احضار شده به دادگاه در سقز، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می شود. گفتن ندارد که هر کمونیستی و هر نیروی

واقعا چپ رادیکالی که از منافع طبقه کارگر دفاع می کند سوای وظیفه اصلی اش یعنی مبارزه برای براندازی نظام سرمایه داری و نابودی استثمار انسان از انسان، در هر شرایطی، در برابر سرمایه داران باید از کارگران، از مبارزات و خواست های کارگری دفاع و حمایت کند. این مسئله نیز روشن است که کمونیست ها باید در صف مقدم طرفداران حق اعتصاب، حق آزادی بیان و اندیشه، حق تجمع و تشکل برای کارگران باشند. در هر کارخانه و کارگاه و هر جایی که حقوق کارگران پایمال شود و مزدوران و حراست کنندگان نظم سرمایه، جرأت کنند کارگران را مورد اهانت، یورش و ضرب و شتم قرار دهند و آنان را بازداشت، محاکمه یا به زندان باندازند، قبل از هر کس این کمونیست ها هستند که باید صدای اعتراضشان بلند شود و علیه این بیدادگری ها و تضییق حقوق کارگران به مبارزه برخیزند. این ها همه البته بدیهیاتی است که در هر مقطع زمانی و مکان جغرافیایی می تواند مطرح باشد و صحت عمومی آن را کسی نمی تواند انکار کند. اما مسئله دفاع و حمایت از کارگران احضار شده به دادگاه در سقز، از این چارچوب ها فراتر می رود و در لحظه کنونی به یک مسئله خاص و ویژه تبدیل شده است. امروز هدف از احضار چهار تن از کارگران دستگیر شده اول ماه مه سقز به دادگاه به نامهای جلال حسینی، محمد عبدی پور، برهان دیوانگرد و محمود صالحی، صرفا احضار و محاکمه این کارگران به عنوان سازمان دهندگان و یا شرکت کنندگان اول ماه مه و یا به عنوان چند تن از کارگران پیشرو و محکومیت آنها نیست. حنا عقب راندن کل کارگران سقز هم تمام هدف رژیم سرمایه داران نیست. هر چند که سرمایه داران بی شک چنین اهدافی را نیز دنبال می کنند، با این همه ابعاد این اقدام سمبلیک، بسیار گسترده تر از محاکمه کارگران فوق است و اهداف ضد کارگری عمیق تری را با خود حمل می کند. احضار و محاکمه کارگران سقز، احضار و محاکمه اول ماه مه، احضار و محاکمه کارگران آگاه و پیشرو در سراسر ایران است. تقاص گرفتن از گرایش چپ

رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش کارگری و زهر چشم گرفتن از کل جنبش کارگری و طبقه کارگر ایران است.

بدیهی است که دفاع و حمایت از کارگران احضار شده به دادگاه سقز نیز، صرفا به دفاع و حمایت از این کارگران خلاصه نمی شود. دفاع و حمایت از کارگران احضار شده، دفاع و حمایت از همه ی کارگران آگاه و پیشرو و همه ی مراسم های مستقل کارگریست که با خواست ها و مضامین رادیکال و انقلابی به میدان آمدند و مهر و نشان کارگران چپ و سوسیالیست را بر خود داشتند. دفاع و حمایت از کارگران احضار شده، دفاع و حمایت از حق کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، حق اعتصاب و اعتراض، حق آزادی بیان و اندیشه، حق تجمع و تشکل و سایر مطالبات کارگران است. امسال به رغم موانع موجود و ممنوعیت ها و محدودیت های زیاد، کارگران در پرتو اتحاد خویش توانستند مراسم اول ماه مه را در ابعاد بالنسبه وسیعی مستقلانه برگزار کنند. دفاع و حمایت از کارگران احضار شده، دفاع و حمایت از حق کارگران به برگزاری آزادانه و مستقلانه مراسم اول ماه مه، دفاع و حمایت از اتحاد وصف مستقل طبقاتی کارگران است. در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه، همبستگی عمیقی میان کارگران در سراسر ایران ایجاد شد. با کشیده شدن مسئله به عرصه خارج کشور و دخالت برخی اتحادیه ها و تشکل های چپ و سوسیالیستی و کارگری، از جمله کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری، برای آزادی کارگران بازداشت شده، این همبستگی آنهم درست در روز اول ماه مه و همان طور که می بایست باشد، ابعاد بین المللی به خود گرفت و سرمایه داران و رژیم حاکم بر ایران را به کلی عقب نشانند. کارگران ایران در مبارزه علیه نظام سرمایه داری و مبارزه تا نابودی هرگونه ستم و استثمار با کارگران سراسر جهان همصدا شدند. دفاع و حمایت از کارگران احضار شده، دفاع و حمایت از این همصدایی، دفاع و حمایت از آرمان های کارگری

اخباری از ایران

خود و پائین بودن دستمزدها اعتراض کردند. در این نامه هشدار داده شده است چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود از روز ۱۷ تیر اعتصاب گسترده ای را آغاز خواهند کرد.

اجتماع اعتراضی در برابر سازمان آب

در اعتراض به نحوه مدیریت سازمان آب و فاضلاب استان کرمانشاه، ۳۰ نفر از کارکنان این سازمان، در برابر سازمان آب و فاضلاب کشوری در تهران دست به تجمع و تحصن زدند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

اعتراض کارگران "پاران گستر"

۱۲۰ تن از کارگران قراردادی شرکت خدماتی "پاران گستر" سقر در برابر خانه کارگر این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت به موقع دستمزدها و حقوق قانونی خود شدند. کارگران در همین رابطه یادداشت اعتراض آمیزی را به مسئول خانه کارگر دادند.

طومار اعتراضی

کارگران شرکت صنایع "خزر" با امضاء یک طومار اعتراضی، نسبت به بیمه نشدن کارگران از سوی کارفرما بعد از گذشت ۱۰ ماه و نیز عدم پرداخت حقوق و مزایا، پاداش، اضافه کاری و ندادن تسهیلات رفاهی، اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

تجمع اعتراضی رانندگان

رانندگان تاکسی در بندرعباس، در اعتراض به تعرفه تعیین شده از سوی سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسی رانی، در برابر ساختمان استانداری دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان معتقدند که این تعرفه مربوط به سال ۸۲ است و با توجه به رشد نرخ تورم و افزایش بهاء بنزین، با وضعیت فعلی همخوانی ندارد.

اعتراض معلمان

در ادامه اعتراضات معلمان، روز چهارشنبه دهم تیرماه، هیئت مدیره کانون صنفی

معلمان ایران به نمایندگی از سایر تشکل های معلمان، با اطلاع قبلی و برای اتمام حجت به دفتر وزیر آموزش و پرورش مراجعه کردند که وزیر آموزش و پرورش، با بی اعتنایی به معلمان و خواست هایشان، از ملاقات با آنان امتناع کرد. به دنبال این مسئله، کانون صنفی معلمان با صدور اطلاعیه ای مورخ ۱۱/۴/۸۳ ضمن اعتراض به این موضوع و طرح چندین باره مطالبات معلمان از جمله افزایش حقوق و رفع تبعیض و اصلاح ساختار آموزش و پرورش، به مسئولین مربوطه هشدار دادند که دست از شیوه های فریبکارانه و "فرصت سوزی" بردارند. معلمان در این اطلاعیه همچنین بر حق اعتراض خود و تشکل های صنفی خود به وعده های تحقق نشده تاکید نموده و گفته اند که در نشست مردامه تشکل های صنفی معلمان که در گیلان برگزار خواهد شد؛ با قاطعیت به این مهم خواهند پرداخت. اطلاعیه همچنین خواستار رفع توقیف از هفته نامه "قلم معلم" و استعفای وزیر آموزش و پرورش و معاون وی شده است.

اخراج و بیکار سازی کارگران

- کارفرمای کارخانه "نقش ایران" در شهر صنعتی البرز قزوین، از روز جمعه ۵ تیر، کارخانه را تعطیل و درب سالن های تولید را پلمپ کرد. به این ترتیب ۳۶۰ کارگر این کارخانه که از اسفند سال گذشته دستمزد نگرفته اند و مبالغی نیز تحت عنوان عیدی و پاداش طلبکارند، بلاتکلیف شده و در معرض اخراج قرار گرفتند.

- به گزارش ایلنا از قول زمانی، رئیس خانه صنعت و معدن استان گلستان، ۳۶ کارخانه پنبه پاک کنی این استان به صورت نیمه تعطیل در آمده اند.

- کارخانه قند بردسیر در استان کرمان، در معرض تعطیلی است. ۱۰۰ کارگر دائمی و کلیه کارگران قراردادی و فصلی این کارخانه در معرض اخراج و بیکاری اند.

- ۱۳ تن از کارگران شرکت فولاد کاوه واقع در شهر صنعتی ساوه که از ۲ تا ۹ سال سابقه کار دارند اخراج شدند. از مجموع ۷۰ کارگر این شرکت، ۲۱ کارگر قراردادی هستند و اخراج شدگان همه قراردادی می باشند.

- یک سال از تعطیلی شرکت "روشنگر" تولید کننده کلید و پریز واقع در مشهد می گذرد. علی رغم آن که از نظر اداره کار، کارگران می بایست در کار خود ابقاء می شدند، اما همچنان بیکار و سرگردانند. این

در حالیکه که کلیه کارگران این شرکت رسمی بوده اند و تا کنون هیچگونه دستمزدی نگرفته اند. افزون بر این اداره تامین اجتماعی نیز از تمدید دفترچه بیمه آنان خودداری می کند. با وجود آن که کارفرما تحت عنوان تغییر ساختار ۱۵۰ میلیون تومان وام گرفته است اما در ۱۵/۱/۸۳ رسماً انحلال این شرکت را اعلام کرد. کارگران تامدتی زیر پوشش به اصطلاح بیمه بیکاری بودند اما در حال حاضر از همین امکان ناچیز هم محروم شده اند.

چند خبر کوتاه

- بیش از چهار هزار کارگر خبازی مشغول به کار در ۸۶۰ نانوائی شهرستان کرمانشاه، با وجود گذشت بیش از ۴ ماه از سال ۸۳، هنوز بر اساس تعرفه سال ۸۲ دستمزد می گیرند. به اعتراضات کارگران در این رابطه، تاکنون ترتیب اثری داده نشده است.

- مدیریت شرکت نخ البرز، به بهانه تعطیلات تابستانی فعالیت این شرکت را متوقف ساخت. با این ترفند، کارفرما قصد دارد کارگران رسمی را که همگی بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند اخراج و کارگران قراردادی را جایگزین سازد. کارگران، مخالف این تعطیلی اجباری، نگران آینده شغلی و خواستار ضمانت شغلی خود هستند.

- ۱۸ تن از کارگران قراردادی شرکت "گلسرای گیلان" که توسط کارفرما اخراج شده بودند، پس از مراجعه به اداره کار به منظور دریافت مقرری بیمه بیکاری به سازمان تامین اجتماعی معرفی شدند، اما سازمان تامین اجتماعی برپایه رأی صادره از طرف "دیوان عدالت اداری"، از پرداخت بیمه بیکاری به این کارگران خودداری می کند.

- محمد صدیق زندی، کارگر کارخانه نساجی شاهو که طی چند سال کار در این واحد، به سرطان ریه، مبتلا شده بود، در حین انجام کار جان خود را از دست داد. ایلنا از قول دبیر اجرائی خانه کارگر کردستان اشاره به این که این گونه موارد در کردستان کم نیست به عنوان نمونه نوشت: "هوشنگ برفی" کارگر "نساجی کردستان" با ۴۰ سال سن به دلیل حضور و فعالیت در فضاهای کاری فاقد بهداشت کار لازم، هم اکنون به سرطان ریه مبتلا شده و در خانه بستری است."

- دوتن از رهبران کانون صنفی معلمان، به نام های محمود بهشتی لنگرودی و علی اصغر ذاتی روز شنبه ۲۱ تیرماه در خانه های خود در تهران بازداشت شدند.

مصاحبه با میریان داکمونوویچ یکی از فعالین زنان یوگسلاو "اروپای فعلی، اروپای زنان نیست"

از اول ماه مه سال جاری با پیوستن ۱۰ کشور از شرق اروپا به اتحادیه اروپا، نگرانی های زیادی ذهن فعالین جنبش زنان در این کشورها را به خود مشغول داشته است. برخی فعالین موافق پیوستن به اتحادیه اروپا و برخی دیگر مخالف آنند. "میریان داکمونوویچ" یکی از فعالین زن در یوگسلاوی سابق و اقتصاد دان، از جمله مخالفین است. وی معتقد است، پی آمدهای این اتحاد برای زنان بسیار مخرب است و دستاوردهای تاکنونی آنان در زمینه های اقتصادی را شدیداً مورد حمله قرار می دهد. میریان طی ۱۵ سال گذشته همواره دوجنبه برنامه ریزی اقتصادی و توجه به موقعیت زنان در پروسه ای برنامه ریزی را در سطوح مختلف دولتی و علمی پیش برده است. درگیری و مشارکت وی در فعالیت های زنان، او را در زمینه آشنایی با حقوق عمومی تر زنان در جوامع، خصوصاً کشورهایایی که سابقاً بلوک شرق نامیده می شدند، یاری می رساند تا به جنبه های متفاوت گسترش اروپا و ارمانی که برای زنان به همراه دارد، بپردازد. متن زیر براساس گفتگویی است که با وی صورت گرفته و الزاماً به معنای تائید تمام نظرات مطروحه نیست.

کار: شما با گسترش اتحادیه اروپا و ورود به آن مخالفید، معتقدید عواقب اقتصادی وخیمی برای زنان دارد. لطفاً در این مورد توضیح دهید.

میریان: کلیه مکانیسم های به کار رفته در ساختار اقتصاد، فاقد فاکتور نقش زنان در پروسه کار و تولید است. به این معنا که ما در کشورهای سابقاً کمونیستی شاهد شرکت پلاریزه شدن زنان در کار هستیم. نسل های بعد از جنگ جهانی دوم غالباً تحصیل کرده و شاغل بوده و به دستاوردهای مبارزاتی و برابری های حقوقی عادت کرده اند. بخش دیگر، یعنی نسل های قبل از جنگ جهانی که جمعیت مسن را تشکیل می دهند در اقتصاد خرد فعالند. در شرایط فعلی می بینیم که به دلیل بحران های اقتصادی ناشی از در هم شکستن آن کشورها، مسئله اشتغال گروه اول بلوکه شده و

روز به روز بر تعداد بیکاران اضافه می شود. شاغلین آن نسل هم از مزایا و حقوقشان کسر می شود. گروه دوم، روز به روز بر تعدادشان افزوده می شود. زیرا آن دسته که از یافتن شغلی ناامید می شوند به دایره کارهای خرد پرتاب می شوند. کاری بدون آینده و فاقد چشم انداز. کاری بدون مزایا، بدون بیمه. با توجه به این شرایط می بینیم که این کشورها به اتحادیه اروپا می پیوندند. اتحادیه ای که اساس اقتصاد و سیاست اش بیشتر منطبق با شرایط کشورهای شمال است. کشورهایی که اگر کارخانه ای را فی المثل در فرانسه ببندند به کشور دیگر منتقل می کنند و با صدور تولید، سود وارد می کنند. اما کشورهای بلوک شرق این وضعیت را ندارند. در نتیجه اقتصادی ملی شان زیر بار این رقابت ها خرد می شود و فشار بیشتری بر اهالی خود وارد می آورند. وضعیت حساس زنان تحت چنین شرایطی، وخیم تر است. کشورهای ورشکسته ما نای اقتصادی ندارند که قادر باشند درحد سایر کشورهای اروپای شمالی، خدماتی را عرضه کنند. با این که در آن سوی سکه شاهد کاهش خدمات و مزایا و رفاه در شمال اروپا هستیم اما هنوز فاصله زیاد است. امروز دیگر چشم انداز ورود نیروی کار از شرق اروپا به غرب مهیا نیست. این به معنای تشدید وضعیت بحرانی اقتصادی است.

کار: آیا در دروه قبل از فروپاشی، توجه اقتصاد به فعالین اجتماعی زنان موجود بود؟ چگونه؟

میریان: در آن دوران مشارکت چشمگیر زنان در بازار کار و درجه تحصیلات عالی آنها در رشته هایی که در غرب اروپا مردانه اند، چنان بود که در برنامه ریزی های اقتصادی نمی شد، نادیده گرفته شوند. هم در برنامه ریزی اقتصادی، هم در زمینه رفاه و خدماتی که به زن شاغل تعلق می گرفت، حتماً در نظر گرفته می شد. این مسئله به این معناست که نقش و تأثیر کار زنان و نقش جامعه در مقابل آنان در برنامه ریزی ها مرئی بود. در تجارت، امور مالی،

اقتصاد، سرویس و خدمات و در تقسیم کار روشن و واضح بود. ما متخصصینی داشتیم که مداوماً رفتار زن و مرد در پروسه تولید و کار را بررسی و ارزیابی می کردند و در برنامه ریزی های آتی مدنظر قرار می دادند. قوانینی که در حمایت از زنان شاغل وضع می شد نتیجه این پروسه بود و نه فال بینی سیاستمداران. یک پروسه علمی و عملی بود.

کار: با توجه به تجربه شما در دوران قبل و نیازهای فعلی در کشورهای عضو اتحادیه، پروسه همکاری شما و فعالین زن در غرب اروپا چگونه است؟

میریان: با این که باید نگرش ها و مکانیسم های اقتصادی لزوماً فمینیزه شوند اما این به آن معنا نیست که باید این دستور العمل ها را از تئوری ها بیرون بکشیم. چرا که اگر چنین اعتقادی داشته باشیم باید از الفبا شروع کنیم. در حالی که ما بر تجارب موجود در کشورهای خود تکیه داریم و معتقدیم با استناد به آن تجارب می توان الگوی مناسبی برای فمینیزه کردن اقتصاد به آن معنا که نقش کار و فعالیت اجتماعی در برنامه ریزی ها منظور گردد، بود. اما در جریان اجلاس متعدد زنان فعال غرب اروپا و در جریان مباحث متعدد با نیروهای آلترا-گلوبالیست متأسفانه شاهدیم که تلاش نخست آنها مخالفت با هرچه که "کمونیستی" نام دارد، است. این به ما، حداقل به ما، در شرق کمکی نمی کند. ما می دانیم که وضعیت زنان در گذشته به مراتب بهتر از امروز بود. ما شاهد آمار بالای اشتغال زنان در کشورهای شرق بودیم. شاهدیم که تحصیل کرده های زن در رشته های فنی و تکنیکی به مراتب نرخ بیشتری نسبت به غرب را دارا هستند، ولی بیکارند. به محض مهاجرت آنها به غرب اروپا، سطح دستمزدشان افت می کند. مزایا و حقوقشان را از دست می دهند و در مقایسه با همتهای غربی خود در سطوح پائین تری مجبور به کار می شوند. در کشورهای خودمان نیز ظرفیت تولیدی کاهش یافته و محیطی برای فعالیت تولیدی برخی رشته ها باقی نمانده است. در غرب نیز، اشتغال زنان یا موقت است یا در سطح نازلی قرار دارد. فعالیت های اتحادیه ای

مصاحبه با میریان داکمونوویچ یکی از فعالین زنان یوگسلاو "اروپای فعلی، اروپای زنان نیست"

باشد. مانکاتی را در دو سه روز در میان فعالین جنبش آلتراگلوبالیست در هند به بحث گذاشتیم و به نتیجه گیری رسیدیم که ما سالهاست با زنان غرب اروپا برسر آن بحث می کنیم و بی نتیجه مانده است. ما قالب جغرافیایی برای مشکلات لازم نداریم. ما قالب برای منافع احتیاج داریم. ما نمی توانیم به صرف این که در قاره اروپا واقع شده ایم، الگوی سوئد برای میارزه با فحشا را برگزینیم. بلکه باید فاکتورهای واحد را شناسایی کنیم و برای آن راه حل بیابیم. این فاکتور ها در سراسر جهان موجودند. جهان پلاریزه شده است. به این نکته باید همواره توجه کرد. اروپای فعلی، اروپای زنان نیست. منافع زنان، قاره ای نیست، جهانی است.

زنان در غرب در دو دهه گذشته به "حرف" و "شعار" توهم دارند. ما تنها باید عمل را ببینیم تا متقاعد بشویم. همین مسئله تأخیر فازی در بین ما زنان اروپا به وجود می آورد، که گاهها مباحث مان به اتلاف وقت می انجامد. زمینه های همکاری و مبارزاتی را نمی توان بر اساس حصار و مرزهای جغرافیایی تعیین کرد. منافع مشترک مادی است که این ضروریات را ایجاد می کند.

کار: آلترناتیو شما برای غلبه بر این معضلات چیست؟

میریان: اتحاد اقتصادی، سیاسی، مبارزاتی باید بر اساس منافع مشخص

زنان بسیار نازل است. جنبش زنان یا حضور ندارد یا بی توجه است. ما با بسیاری از خواهران فمینیست در غرب باید بحث و جدل کنیم تا آنان را متقاعد کنیم که تجارب کشورهای ما همگی منفی نیستند. فمینیزه کردن اقتصاد را باید در پروسه عملی آموخت، شناخت و به کار برد. تئوری ها در عمل صیقل می خورند. از همینرو من فکر می کنم زمینه های نظری و عملی بین ما و برخی فعالین زن در کشورهای جنوب بیشتر است تا با زنان کشورهای غرب اروپا. چون ما به لحاظ اقتصادی پایه های مشترکی با کشورهای جنوب داریم ولو آن که افتخارا و به دلائل عمدتا سیاسی ما را در اتحادیه روی زانوی خود نشانده باشند. من در جریان فوروم اجتماعی جهان در هند که در ژانویه سال جاری برگزار شد، مشابهت هایی نظری و عملی بیشتری بین خود و کشورهای جنوب دیدم. همکاریهایی با آنها ممکن است که با فعالین آلترناتیو غرب اروپا محال است. از ما توقع هست که از نقطه صفر شروع کنیم و تجارب تاریخی- اجتماعی خود را ملغا کنیم. این اشتباه است. اشتباهی که خودش متوجه غرب اروپاست. ما آن تجارب را پاس می داریم. حال چه با روی گشاده غرب مواجه شویم چه با ترشروئی آنها.



ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

رژیم جمهوری اسلامی، زنان را در معرض بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین شکل ستم، تبعیض و فشار قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی، با وضع قوانین و مقررات ارتجاعی و با ایجاد محدودیت ها و تضییقات مختلف، زنان را از ابتدایی ترین حقوق دمکراتیک، مدنی و انسانی خود محروم نموده و به یک شهروند درجه دوتبدیل کرده است. سازمان فدائیان (اقلیت) می گوید:

- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید فوراً ملغا گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گردند.
- تمام قوانین و مقررات مربوط به تعدد زوجات، صیغه، طلاق یک جانبه، مقررات مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی، و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت ملغا گردد.
- باید هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدید در مورد نقض آنها اعمال شود.
- زنان باید از حقوق و مزایای برابر و کامل با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.
- به زنان باردار یک ماه قیل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق و با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی رایگان، مرخصی داده شود.
- کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور است، ممنوع شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

کار: گسترش اتحادیه اروپا چه تأثیری بر وضعیت عمومی تر زنان دارد؟

میریان: در زمینه های کاهش خدمات، زنان بیشتر از مردان لطمه می خورند. حذف و کاهش سوبسیدهای دولتی در اداره مهدکودک ها، رواج کار نیمه وقت زنان و آواره ماندن فرزندانشان در غیاب مراکز آموزشی و نگهداری در سنین قبل از دبستان، عملاً زمینه ساز خانه نشینی زنان است. برخی دولت ها با تز دمکراتیک سعی دارند با پرداخت مبلغی ناچیز زنان را خانه نشین کنند. این ها همه شعار است. اما در غرب این گونه پزها دوره ای به باور فعالین منجر می شود و به جای اعتراض به مضمون این اقدامات، به تشویق آن هم می پردازند و چند مدتی این تاکتیک ها پیش می رود بدون آن که اعتراض شود. به نظر من

“یانکی به خانه ات برگرد”

روزهای اواخر ماه ژوئن، شهرهای مختلف اروپا شاهد برپائی تظاهرات و راه پیمائی علیه امپریالیستها و جنگ آنها علیه مردم عراق بود. روز ۲۵ ژوئیه، جورج دبلیو بوش، بر سر راه خود برای شرکت در نشست سران ناتو در شهر استانبول، توقیفی هم در ایرلند شمالی داشت. مخالفت مردم آمریکا با جنگ عراق در حال رشد و گسترش است و همین یکی از دلایل اصلی این سفر کوتاه جورج بوش به ایرلند شمالی بود. وی در اینجا تلاش داشت تا با سفر به یکی از کشورهای عضو بازار اروپا و حامیان سیاستهای آمریکا، نشان دهد که هنوز از حمایت مردم ودولتهای اروپائی برخوردار است. اما تظاهرات هزاران نفر از مخالفین اشغال نظامی عراق و جنگ طلبی امپریالیستها که در پاسخ به فراخوان ائتلاف ضد جنگ، خیابانهای چند شهر ایرلند شمالی را به اشغال خود درآوردند، نشان داد که در اینجا هم خبری از حمایت و پشتیبانی نیست. زمانی که هواپیمای حامل جورج بوش در فرودگاه دوبلین به زمین نشست، بیش از ۲۰ هزار نفر در خیابانهای این شهر شعار “یانکی به خانه ات برگرد” را سر داده و خواهان خروج فوری سربازان امپریالیستها از عراق اشغالی شدند. در این روز، در بخش بزرگی از شهر دوبلین حکومت نظامی اعلام نشده ائی برقرار شد و هزاران مامور نظامی و امنیتی کنترل کامل اوضاع را به دست گرفتند. همزمان با تظاهرات دوبلین، هزاران نفر در مقابل پایگاه هوائی Shannon، که یکی از اصلی ترین سرپلهای ارتباطی ارتش آمریکا با سربازان این کشور در عراق است، دست به تظاهرات زدند. در اینجا صد ها نفر از تظاهرکنندگان خشمگین با ماموران حفاظتی این پایگاه به زدوخورد پرداخته و خواهان تعطیل این مقر نظامی امپریالیستی شدند.

توقف بعدی جورج بوش پس از این سفر، شهر استانبول بود. وی به این شهر آمده بود تا در نشست سران ناتو، که در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئن برگزار می شد

شرکت کند. در این نشست، امپریالیسم آمریکا باز هم تلاش داشت تا رقیبان اروپائی خود را متقاعد سازد که سهم خود در تامین هزینه های نظامی اشغال عراق را افزایش دهند. اما در اینجا نیز ائتلاف وسیعی متشکل از اتحادیه های کارگری، احزاب چپ و دموکرات و جنبش ضد جنگ و ضد امپریالیسم تحت عنوان “نه به بوش، نه به ناتو” با بسیج و سازماندهی اعتراضات دهها هزار نفر نشان داد که در ترکیه هم خبری از آسایش برای سرکردگان امپریالیستها نیست. اولین تظاهرات اعتراضی وسیع مردم روز ۲۶ ژوئن و در چند شهر برگزار شد. در شهر آنکارا تظاهرات و راه پیمائی هزاران مخالف جنگ در مقابل سفارت آمریکا به درگیری شدیدی میان ماموران پلیس و تظاهرکنندگان خشمگین انجامید. همزمان با این حرکت، تظاهرات مشابهی نیز در ۱۲ شهر بزرگ اروپا برگزار شد. سرانجام اجلاس سرکردگان امپریالیستها در روز ۲۸ ژوئن و زیر سایه سرنیزه بیش از ۲۳ هزار مامور امنیتی، پلیس و سرباز ارتشی و در حالی که محل برگزاری این نشست از زمین، هوا و حتی راههای آبی که به این محل ختم می شد تحت کنترل کامل نیروهای نظامی قرار داشت در بخش اروپائی شهر استانبول برگزار شد. برغم تمام این اقدامات و در همین شهر استانبول بیش از ۲ هزار نفر از تظاهرکنندگان تلاش نمودند که صدای خود را به گوش سران ناتو برسانند. این تلاش تظاهرکنندگان درگیری آنان با هزاران مامور پلیس را به همراه داشت. ماموران پلیس و ارتش ضمن ضرب و شتم وحشیانه تظاهرکنندگانی که حریم امنیتی را شکسته بودند تعداد زیادی از آنان را دستگیر نمودند.

این نشست سران ناتو بار دیگر و به شکلی آشکار بن بست را که امپریالیستهای آمریکائی پس از اشغال نظامی عراق با آن مواجه هستند، به نمایش گذاشت. اختلافات و تضادهای میان امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی

که با آغاز جنگ عراق حدت بی سابقه ای گرفته بود، مجددا چهره نموده و موجب گشت که جورج بوش نتواند در این نشست به تمام اهداف دولت خود جامه عمل بپوشاند. هیئت حاکمه آمریکا که زمانی تصور می کرد با لشگر کشتی به عراق و اشغال فوری این کشور، منابع ثروت این کشور را به تنهایی به غارت خواهد برد، نمی دانست که موج مقاومت فزاینده مردم زجر کشیده عراق تنها عاملی است که می تواند پیشرفته ترین و مرگبارترین ماشین های نظامی را متوقف سازد و سرکرده امپریالیستها را به بن بست کشاند که هیچ مفری از آن برای امپریالیستها متصور نباشد. در این میان جنبش ضد جنگ هم در سراسر جهان نشان داد که دست از مقاومت خود علیه جنگ و کشتار امپریالیستها برنداشته و هر لحظه آماده است تا با بسیج توده های مردم، مقاومت و مخالفت آنان با سیاستهای امپریالیستها را به نمایش بگذارد.

از صفحه ۵

اهمیت دفاع و حمایت از ...

و همبستگی طبقاتی و بین المللی کارگران است. نفس دفاع و حمایت از کارگرانی که به “دادگاه” احضار شده اند، دفاع و حمایت از کل جنبش کارگری به ویژه دفاع و حمایت از گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش کارگری است. بی هیچ معطلی، خود را تجهیز کنیم و به مصافی که در پیش روست بشتابیم. به دفاع و حمایت از کارگران احضار شده به دادگاه برخیزیم. مدت زیادی به تشکیل این بیدادگاه نمانده است. علیه احضار و محاکمه این کارگران متحداً به پا خیزیم و به هر شکلی که می توانیم برای آزادی آنان تلاش و مبارزه کنیم. خواستار لغو این احکام و احضاریه ها و آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران شویم. اقدامات سرکوبگرانه رژیم و عمال آن علیه کارگران را محکوم کنیم و تضمین جانی آنان را خواستار شویم. اگر ما، اردوی کار و مدافعان منافع طبقه کارگر در این مصاف پیروز شویم، بی تردید گام بسیار مهمی برای تثبیت پیروزی خود در اول ماه مه نیز برداشته ایم.

اصلان جواد زاده

زنده باد سوسیالیسم

پاسخ به سؤالات

دانستند. سپس به کنترل تولید روی آوردند و با کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر، خواهان برقراری مدیریت کارگری شدند. شاپ استیواردهای جنبش کارگری انگلستان و شوراهای کارگری ایتالیا نیز در روند یک چنین تحولی، کنترل کارگری را محور برنامه عمل خود قرار داده بودند.

در شرایطی که پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر روسیه، جنبش کارگری در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری اعتلاء می یافت، انترناسیونال کمونیستی، ایجاد کمیته های کارخانه و کنترل تولید را گام مهمی به سوی قبضه قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و استقرار نظام شورایی می دانست. معهدادر حالی که هنوز جنبش کمیته های کارخانه همه گیر نشده بود، با توجه به از هم گسیختگی و بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و فشاری که از این بابت کارگران با آن روبرو بودند، در سومین کنگره، بر این نکته تاکید داشت که اولین وظیفه کمیته های کارخانه، جلوگیری از اخراج کارگران و موظف ساختن کارفرما به پرداخت دستمزد کامل به بیکاران است.

بنابراین وظایفی که کمیته های کارخانه، در مقاطع مختلف بر عهده می گیرند، رابطه مستقیمی با سطح مبارزه طبقاتی کارگران دارد. منطبق با این وظایف، کمیته های کارخانه، به لحاظ شکل و مضمون نیز متحول می شوند. کمیته های کارخانه در شرایط بحران های عمیق سیاسی، و طائف کمیته های اعتصاب را بر عهده می گیرند و یا کمیته های اعتصاب از بطن آنها پدید می آیند. در بالاترین سطوح مبارزه طبقاتی، این کمیته ها، تحول و ارتقاء می یابند و از بطن این تحول و تبدل است که شوراهای به عنوان ارگانهای قیام و اعمال حاکمیت مستقیم طبقه کارگر شکل می گیرند.

با این توضیحات روشن است که کمیته های کارخانه از آنجایی که یک تشکل غیرحزبی اند و بهتر از هر تشکلی در دسترس کارگران قرار دارند، دربر گیرنده عموم کارگران، مستقل از

گرایشات سیاسی و حزبی آنها هستند. هر چه این کمیته ها فراگیرتر باشند، بهتر می توانند به وظیفه خود عمل کنند. طبیعی ست لازمه چنین امری که کمیته های کارخانه منتخب همه کارگران کارخانه باشند علنی بودن آنهاست. اما در ایران امروز، که سرکوب و اختناق حاکم است و رژیم می کوشد، هر تلاش کارگران را برای ایجاد تشکل های مستقل در نطفه خفه کند و فعالین و پیشروان جنبش کارگری را دستگیر و به زندان بیاندازد، اساسا کمیته کارخانه نمی تواند علنی باشد، بلکه تشکلی مخفی ست که از پیشروترین، آگاه ترین و فعال ترین کارگران که از اعتماد عمومی کارگران نیز برخوردارند، تشکیل می شود و به وظائف خود عمل می کند. در جریان مبارزه و ارتقاء شکل های مبارزه طبقه کارگر است که این کمیته ها می توانند به ارگانهای واقعا توده ای طبقه کارگر تبدیل شوند، فعالیت های خود را با دیگر کمیته های کارخانه ها هم آهنگ سازند و رابطه محکمی میان خود پدید آورند.

در شرایطی که بحران سیاسی در ایران وارد مرحله ای شود که اعتصاب عمومی سیاسی را به شکل اصلی و عمده مبارزه طبقه کارگر تبدیل نماید، این کمیته ها، از این قابلیت برخوردارند که به کمیته های اعتصاب تبدیل شوند. هنگامی که مبارزه طبقاتی به نقطه ای می رسد که قیام در دستور کار قرار می گیرد، کمیته های اعتصاب به شوراهای به عنوان ارگان های قیام تحول می یابند و با پیروزی قیام به عنوان ارگان های اعمال حاکمیت طبقاتی کارگران عمل خواهند کرد.

تا اینجا روشن است که طرح شعار کمیته های مخفی کارخانه توسط سازمان ما، رابطه مستقیمی با خط مشی ما در مورد استقرار یک حکومت شورایی در ایران، کنترل و مدیریت کارگری و برقراری سوسیالیسم دارد.

اکنون باید به این سؤال پرداخت که رابطه شوراهای به عنوان تشکل های سیاسی طبقه کارگر، با حزب طبقه کارگر که آن هم تشکل سیاسی طبقه کارگر است، چگونه می تواند و باید باشد و حزب تا چه حدودی در حکومت شورایی دخالت دارد.

پیش از پاسخ به این سؤال باید به تفاوت های این دو تشکل سیاسی طبقه کارگر اشاره کرد. در یک جمله کوتاه می توان گفت که شوراهای ارگان های اعمال حاکمیت سیاسی طبقه کارگرند، در حالی که حزب طبقه کارگر ارگان رهبری سیاسی طبقه کارگر است و مبارزه طبقاتی پرولتاریا را تا نیل به هدف نهایی انقلاب اجتماعی، سازماندهی و رهبری می کند. حزب طبقاتی کارگران که همانا حزب کمونیست است، تنها دربرگیرنده بخشی از کارگران یعنی پیشروترین و آگاه ترین آنهاست که کمونیستند، در حالی که شوراهای کل طبقه را در بر می گیرند.

در یک جامعه سوسیالیستی برخلاف جامعه سرمایه داری، وظایفی که طبقه کارگر در برابر خود دارد، نمی تواند به طور غیر مستقیم و از طریق لشکری از کارمندان رده های مختلف، رهبران و احزاب به نمایندگی از طبقه انجام بگیرند.

نظام ارتجاعی- بوروکراتیک سرمایه داری به نحوی سازمان یافته است که طبقه سرمایه دار با اتکاء به یک دستگاه بوروکراتیک- نظامی و ارتشی از کارمندان و حقوق بگیران در سطوح و رده های مختلف، می تواند اراده خود را به جامعه تحمیل کند، یعنی دیکتاتوری طبقاتی خود را اعمال نماید، حکومت کند و نظم موجود را حفظ نماید. در اینجا الزامی نیست که طبقه سرمایه دار خود مستقیما در تمام ارگانها و نهادها و مؤسسات سیاسی و حتا اقتصادی حضور داشته باشد. مدیران، سیاستمداران، حقوق بگیران رنگارنگ، نظامیان و بوروکراتها به خوبی وظیفه حفظ سلطه طبقاتی بورژوازی را بر عهده دارند و چنان ظریف اراده طبقه سرمایه دار تحمیل می شود که مثلا در جمهوری های پارلمانی اصلا منکر می شوند که چیزی به نام دیکتاتوری طبقه سرمایه دار که همانا تحمیل اراده و سلطه سیاسی یک طبقه معین است، وجود دارد.

طبقه کارگر اما نمی تواند به شکلی غیر مستقیم و از طریق یک دستگاه بوروکراتیک و ارتشی از حقوق بگیران به وظایف طبقاتی و تاریخی خود عمل کند و سوسیالیسم را مستقر سازد.

پاسخ به سؤالات

طبقه کارگر برای نابودی نظام طبقاتی و استقرار یک نظام کمونیستی مبارزه می‌کند. اما استقرار نظام کمونیستی یک شبه ممکن نیست. یک دوران انتقال از نظم طبقاتی سرمایه داری به نظام بدون طبقات کمونیستی ضروریست. در این دوران انتقال، طبقه کارگر برای این که بتواند دگرگونی را متحقق سازد، لاجرم می‌باید قدرت سیاسی را به دست بگیرد، اراده سیاسی خود را بر ستمگران تحمیل کند و وظایف اقتصادی و سیاسی خود را انجام دهد. اما طبقه کارگر چگونه می‌تواند اتوریته سیاسی خود را بدون ابزار آن اعمال کند؟ چگونه می‌شود دیکتاتوری طبقاتی را بدون دستگاه مخصوصی که دولت نام گرفته است اعمال کرد؟ پس روشن است، اگر اتوریته سیاسی وجود دارد دولت نیز هنوز وجود دارد. معهذا طبقه کارگر که خواهان نابودی جامعه طبقاتی است، خواهان برافتادن و نابودی اتوریته سیاسی و همراه با آن دولت سیاسی به عنوان مظاهری از جامعه طبقاتی نیز هست. اگر چنین است چگونه می‌شود، این تضاد را حل کرد. راه حل این تضاد را تجربه جنبش طبقه کارگر و انقلابات کارگری در عمل نشان داده اند. راه حل، این است که طبقه کارگر در کلیت اش مستقیماً اعمال حاکمیت و اتوریته کند و ابزار این اعمال اتوریته یعنی دولت نیز دیگر در شکل معمول و مرسوم گذشته آن نباشد، که بر بورکراسی ممتاز و مافوق مردم و نیروی مسلح مجزا از مردم و رودرروی آنها مبتنی است. از همین جاست ضرورت درهم شکستن دستگاه دولتی بورژوازی و ایجاد یک دستگاه دولتی نوین که دیگر دولت به معنای اخص کلمه نیست. چرا که در اینجا کل طبقه مستقیماً اعمال حاکمیت می‌کند، بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم دیگر وجود ندارد و عموم توده های زحمتکش مردم مسلح اند. در اینجا که عموم توده های مردم رسم کشورداری را می‌آموزند و امور روزمره خویش را خودشان رتق و فتق می‌کنند و نیروی

مسلحی مجزا از مردم و رودرروی آنها وجود ندارد، دولت تدریجاً وظایف سیاسی خود را از دست می‌دهد و زوال می‌یابد.

بنابراین روشن است که چرا دیکتاتوری پرولتاریا باید توسط کل طبقه و نه بخشی از آن و یا گروهی به نمایندگی از آن اعمال شود و سازمانی می‌تواند ظرف اعمال حاکمیت و اتوریته سیاسی باشد که کل طبقه را در بر گیرد. در نخستین سال های استقرار حکومت کارگری در روسیه بحث های مفصلی برسر این مسئله انجام گرفت که حزب طبقاتی کارگران نمی‌تواند جایگزین شوراهای گردد و یا دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری حزب طبقاتی پرولتاریا تقلیل یابد. با این همه به ویژه در سال های بعد، این نتیجه گیری ها در عمل نقض شد و دولتی که قرار بود زوال یابد و محو شود، با رشد بوروکراتیسم چنان تحکیم یافت تا سرانجام به شکل خالص بورژوازی آن درآمد.

تجربه شکست انقلاب کارگری روسیه، بار دیگر به ما آموخت که حزب سیاسی طبقه کارگر نمی‌تواند جایگزین شوراهای به عنوان ارگانه های اعمال حاکمیت مستقیم طبقه کارگر شود و دیکتاتوری پرولتاریا نمی‌تواند به دیکتاتوری حزب سیاسی طبقه کارگر تقلیل یابد. وظیفه حزب این نیست که به جای طبقه حکومت کند و به نام طبقه، دیکتاتوری طبقه را اعمال کند. وظیفه حزب، سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی، ارائه خط مشی، استراتژی و تاکتیک هائی است که طبقه کارگر را در مسیر صحیح به سوی هدف نهایی اش رهنمون سازد. طبیعی است که انجام این وظیفه با مداخله عملی حزب طبقاتی کارگران در مبارزه، حضور فعال در شوراهای و کادرهای حزب در ارگان های حکومت کارگری است. حزب طبقاتی کارگران قطعاً باید تلاش کند که توده های کارگر، اعضای حزب را به عضویت شوراهای بالاترین ارگان های حکومت شورایی برگزینند، اما این مسئله ای متفاوت است با این که حزب حکومت کند و شوراهای دیگر ارگانها و نهادهای توده ای و حکومتی وابسته به حزب باشند و نقشی تبعی و فرمایشی پیدا کنند.

از صفحه ۲

دمکراسی پارلمانی قول ...

اکنون در حال جایگزینی با دیکتاتوری دیگری است که دست آوردی به جز ادامه بیکاری، فقر، ناامنی و مرگ برایشان نخواهد داشت. تنها چیزی که امروز در عراق عوض شده است این است که تا دیروز دستگاه های مخوف «داخلی» صدام حسین دسته دسته مردم را کشتار می نمودند و امروز نظامیان اشغالگر «خارجی» لوله های تفنگشان را به سوی هر معترضی نشانه می روند و با قانون «امنیت ملی» دولت دست نشانده ایاد علوی، این مأمور گوش به فرمان «سیا»، رعب و وحشت ایجاد می کنند. اکنون مردم عراق می بینند که همین آقای ایاد علوی در حال مذاکره با دسته های اسلامی مدعی دفاع از آنان از قبیل مقتدی صدر هستند و دولت هایی مانند جمهوری اسلامی در ایران که با اعلام به اصطلاح بی طرفی اش بر تجاوز و اشغال نظامی عراق مهر تأیید گذاشت از دهان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظامش می گوید که همه گونه همکاری را با دولت دست نشانده عراق خواهد کرد. مردم عراق همچنین می دانند که جابه جایی مهره ها در هیئت حاکمه آمریکا و مثلاً جایگزینی احتمالی کری به جای بوش در ماه نوامبر آینده نیز دردی از آلام بی شمار آنان را دوا نخواهد کرد. ۲۱ تیر بار دیگر گفت که از رأی مثبتی که در کنگره ی آمریکا به حمله به عراق داد پشیمان نیست و آن را پس نمی‌گیرد. او تنها خواهان زد و بند بیش‌تر با قدرت‌های اتحادیه اروپا است تا به گفته خودش آن ها هم «مسئولیت های بیش‌تری» را در عراق متقبل بشوند. حمله به عراق، تشکیل یک شورای حکومتی موقت و سپس «انتقال قدرت» به یک دولت دست نشانده که اکنون به سوی استقرار یک حکومت نظامی می رود بار دیگر نشان داد که در هیچ کجای جهان استقرار آزادی و دمکراسی بدون دخالت مستقیم توده های مردم امکان پذیر نیست و چشم دوختن به بالا نتیجه ای جز کشتار و ادامه فقر و بیچارگی در پی ندارد.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R آلمان
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I. S. F دانمارک
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M. A. M سوئد
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A. A. A فرانسه
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

K.Z کانادا
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 433 juli 2004

مؤسسه محسوب می شوند. ثانيا- ویژگی منحصر به فرد کمیته های کارخانه برای بر عهده گرفتن وظائف صنفی و سیاسی و ارتقاء به اشکال عالی تر تشکل های طبقاتی کارگران است. در اینجا این جنبه کمیته های کارخانه مسئله مورد بحث ما است.

خصوصیت منعطف و تحول پذیر کمیته های کارخانه، این امکان را به آنها می دهد که به حسب شرایط مشخص، وظایف مشخص صنفی یا سیاسی را برنامه عمل خود قرار دهند و منطبق با این وظایف، شکل های کاملا نوینی به خود بگیرند. در شرایطی که مبارزات کارگران هنوز عمدتاً اقتصادی ست، برنامه عمل کمیته تلاش برای تحقق مطالبات صنفی و اقتصادی ست. در اینجا، کمیته های کارخانه از نظر وظایف، هم مرز با اتحادیه اند. در شرایط بحران های وخیم اقتصادی، کمیته های کارخانه وظایفی را در دستور کار قرار می دهند که معمولاً از عهده اتحادیه ها بر نمی آید. تجربه جهانی جنبش های کارگری نشان داده است که در چنین شرایطی، اگر سرمایه داران به هر دلیل می خواهند تعدادی از کارگران را اخراج کنند، کمیته کارخانه با هر گونه اخراج کلا مخالفت می ورزد. اگر به هر دلیل، کارگرانی اخراج یا بلاتکلیف مانده اند، کمیته کارخانه به چیزی کمتر از پرداخت حقوق کامل کارگران اخراجی توسط سرمایه دار، رضایت نخواهد داد. اگر سرمایه داران برای درهم شکستن مبارزات کارگران و پیشبرد هرگونه سیاست ضد کارگری، به تعطیل کارخانه ها متوسل شوند و یا بحران سیاسی جامعه، نیاز به تحولات رادیکال را دیکته کند، کمیته های کارخانه کنترل تولید را در سرلوحه برنامه عمل خود قرار می دهند و همین کمیته ها با سرنگونی بورژوازی و آغاز تجدید سازماندهی سوسیالیستی جامعه، وظیفه مدیریت کارگری را عهده دار می شوند. تجربه بین المللی جنبش کارگری نیز همین واقعیت را نشان می دهد. کمیته های کارخانه کارگران روسیه در آغاز شکل گیری شان عمدتاً مطالبات اقتصادی را برنامه عمل خود می

در صفحه ۱۰

پاسخ به سئوالات

س ۱- رابطه شکل گیری شوراهای کارگری با کمیته های مخفی کارخانه ای که اکنون سازمان مطرح می کند چیست؟
۲- از نظر سازمان، رابطه حزب طبقه کارگر با شوراها و دولت شورایی چگونه باید باشد؟ تا چه حد حزب می تواند در شوراها و حکومت شورایی دخالت داشته باشد؟

ج- این واقعیت را همه می دانند که جمهوری اسلامی با برقراری رژیم دیکتاتوری عریان و سلب آزادی ها و حقوق دمکراتیک توده های مردم ایران، طبقه کارگر را حتا از داشتن تشکل های صنفی مستقل و علنی محروم کرده است. با این همه هیچ رژیم سرکوبگر و دیکتاتوری عریانی نمی تواند مبارزه طبقاتی را ممنوع اعلام کند. مبارزه طبقاتی را نه کسی می تواند ممنوع اعلام کند و نه تعطیل شدنی ست. از همین رو، به رغم تمام اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه طبقه کارگر در طول تمام این سال ها، بدون وقفه ادامه داشته و اشکال بس متنوعی هم به خود گرفته است.

هرچند که ممنوعیت ایجاد تشکل های علنی و مستقل کارگری، بر سطح تشکل و آگاهی کارگران و تحقق مطالبات و اهداف آنها تأثیر منفی داشته است، معهذا مقتضیات مبارزه طبقاتی ایجاب کرده است که کارگران برای پیشبرد مبارزه خود، تشکل های مخفی و نیمه علنی و حتا تشکل های علنی، اما با پوشش های دیگر ایجاد کنند.

سازمان ما در پی سرکوب های سال ۶۰، مناسب ترین شکل تشکل کارگران را کمیته های مخفی کارخانه اعلام نمود و همچنان تا به امروز شعار کمیته های مخفی کارخانه را مطرح می کند.

طرح این شعار، از دو جهت حائز اهمیت بوده و هست. نخست این که در شرایط سرکوب و اختناق، کمیته های مخفی کارخانه، مناسب ترین شکل تشکل برای سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران در درون هر کارخانه و

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی